

فارسی کرمان

رمضون دراز - رمضان نام خاص است و رمضان دراز کنایه از ماه رمضان است که برای روزه داران (و شاید بیشتر برای روزه خواران) دراز به نظر می‌رسد.

/kešidan/ دراز کشیدن - به قصد استراحت موقت خوابیدن /kerdan/ دراز کردن - کسی را برای شلاق زدن روی زمین خواباندن «فک. / دراز دراز - حالت راه رفتن بدون هدف و بیهوده.

/derâz e nâborâz/ دراز نابراز - دراز بی‌قواره و بدترکیب نزدیک به /deylâq/ دیلاق.

/dereng/ درنگ - (ناماوا) صدای زنگ، صدای افتادن فلز (م) /درنگ درنگ - صدای متوالی زنگ، صدای ساز و تار و تنبک و مانند آن.

/dun/ درنگوندن - (درنگاندن) به صدا درآوردن، ساز زدن، تنبک زدن ← /deleng/ دلنگ.

/derez/ درز - پرش (در حال خواب یا تفکر و عدم توجه) = /derezg/ درزگ - /duneh/ دونه درزگ - دانه‌های پراکنده (باران یا حیوانات و غیر آن) /midan/ درزگیبند - خود به خود پرتاب شدن، جرقه زدن، جرقه

/derax(t)/ درخت) ← گف

/kot konu/ درخت کت‌کنو - دارکوب
= /dârkot konu/ دارکت‌کنو =
tellu تلو (زرنندی)

/deraxt e muru/ درخت‌مورو -

درخت توت مخصوص کرم ابریشم

/deraxtengun/ درختنگان -

از دهستانهای شمالی بخش مرکزی شهرستان کرمان است. بیش از هفت هزار تن جمعیت و ۸۱ پارچه آبادی دارد که از آب‌رودخانه مشروب می‌شوند. بر روی یکی از رودهایی که به سوی جنوب سرازیر می‌شود سدی به نام هلاکو بوده است. مرکز دهستان ده‌لاله و محصول آن جو و سیب زمینی است. سابقاً کشت خشخاش نیز در این دهستان معمول و محصول آن فراوان و مرغوب بوده است.

* /derât/ درات - زنگی که به گردن حیوانات می‌بندند؛ معمولاً زنگ بزرگ آهنی استوانه‌ای شکل را گویند =
/derâk/ دراک.

/derax zeni/ درخت‌زنی - بریدن

شاخ و برگهای زاید، هرس.

← /derâvordan/

/derâvordan/ درآوردن.

/derâz/ دراز - /rəmezun-e

پیراندن. یکه: **/xordan/ درز خوردن** -
 یکه خوردن **/varmidan/ وردرز میدن** -
 پیریدن (از خواب یا در حال تفکر و عدم توجه)
 بر اثر صدای ناگهانی یا خواب هولناک.
/derg/ درگ = برهنه و لرگ
 ولی بدحال تر از لرگ است، «لخت و بیچاره»
 = «لرگ» **/we lerg/ «درگ لرگ** -
 لخت و بیچاره و فقیر و بیمار «**/wi/ درگی** -
 «لختی و بیحالی» فک .

/derumad/ درومد = درآمد ؛
 «عایدی... این لفظ در عرف کارمندان دولت
 به معنی آنچه غیر از حقوق مقرر و رسمی
 بطریق مشروع (و غالباً نامشروع) عایدشان
 می شود استعمال می گردد». فلع .
/piš/ پیش درومد - (پیش درآمد)
 مقدمه و برداشت سخن و موسیقی و آواز
 و کار .

/deryâ/ دریا - دل به دریازدن؛
 پیشواز خطر رفتن (ریسک کردن) .

/dê-sa'id/ ده سعید - ۱۵-۵۷*
 ۲۱-۳۰ ده بیست و چهار خانواری دهستان
 درختگان در ۲۴ کیلومتری خاور کرمان،
 محصول آن غلات و حبوبات است .

/dê-sâlâr/ ده سالار - ۱۷-۵۶*
 ۲۴-۳۱ دهکده دو خانواری کوهبنان
 در ۲ کیلومتری شمال مرکز بخش .

/dê-sâle/ ده صالح - ۲۰-۵۷*
 ۲۸-۳۰ دهکده هشت خانواری دهستان
 درختگان در ۳۵ کیلومتری شمال خاوری
 کرمان .

/dê-seyf/ ده سیف - ۵۰-۵۷*
 ۲۲-۳۰ دهکده سیزده خانواری شهداد
 کرمان در ۲۵ کیلومتری شمال مرکز
 بخش، محصول آن غلات، خرما، حنا و

/deride/ دریده - (پاره) گستاخ
 و بیحیا **/mgi/ دریدگی** (پارگی) گستاخی
 و بیحیایی .

/derik/ دریک - کلافه کوچک نخ
/wi/ دریکو - دریک کوچک

/derik/ دریک - اسبایی که با
 آن نخ را کلافه می کنند و عبارت از دو
 پایه چوبی متصل بهم یا در زمین استوار
 است که به هر یک میخی چوبین نصب شده
 است و با دست نخ را از دوسوی میخها
 برای کلافه کردن می گذرانند .

/varzedan/ وردریک زدن - نخ را
 با دریک کلافه کردن. کلافه ای را که با کمک
 در یک درست شده است نیز دریک نخ
 یا **/wi/ دریکو** گویند .

/derik derik/ دریک دریک -
 (ناماوا)

صدای لرزیدن از سرما یا زلزله
 = **/terik terik/ تریک تریک** .
/deriku/ دریکو ← **/derik/**

/derous/ دروش - ۱ - درفش

مرکیات است .

*/dē sirun/ ده سیران-۰۵-۵۶**

۳۰-۵۱ دهکده ۳ خانواری دهستان
سیریز در ۵۵ کیلومتری باختر زرنند کرمان.

*/dē-soltun/ ده سلطان-۱۴-۵۷**

۳۰-۲۹ دهکده شش خانواری دهستان
درختگان در ۳۰ کیلومتری شمال
خاوری کرمان .

*/dē-šār/ ده شار - ۲۷-۵۷**

۳۰-۳۲ دهکده سه خانواری دهستان
درختگان در ۴۲ کیلومتری شمال خاوری
کرمان .

*/dē-šāxi/ ده شاخی- ۲۱-۵۶**

۳۱-۲۷ دهکده شش خانواری کوهبنان
در ۱۱ کیلومتری شمال مرکز بخش .

*/dē-šehāb/ ده شهاب- ۱۸-۵۷**

۳۰-۲۱ ده سی خانواری دهستان درختگان
در سی کیلومتری شمال خاوری کرمان ،
محصول آن غلات و حبوبات و کارمردمش
کشاورزی و قالیبافی است .

*/dē-šeyx/ ده شیخ - ۴۱-۵۶**

۳۱-۰۱ ده بیست و دو خانواری دهستان
سربنان در ۳۲ کیلومتری شمال خاوری
زرنند کرمان، محصول آن غلات و حبوبات
و کار مردم آن کشاورزی و قالیبافی است.

*/dē-šeyx/ ده شیخ - ۳۳-۵۶**

۳۰-۴۶ ده بیست خانواری دهستان حومه
در ۱۱ کیلومتری باختر زرنند کرمان ،
محصول آن غلات ، حبوبات پسته و
پنبه است .

*/dē-šib/ ده شعیب - ۳۱-۵۶**

۳۰-۳۴ ده بیست و یک خانواری دهستان
سیلوئیه در سی کیلومتری جنوب زرنند ،
محصول آن غلات و حبوبات است .

*/dē-šib/ ده شعیب - ۲۹-۵۷**

۳۰-۳۲ دهکده دو خانواری دهستان
حرجند در ۷۷ کیلومتری شمال کرمان.

*/dē ši/ ده شیب- ۵۶-۵۶**

۳۱-۱۴ ده بیست خانواری راور کرمان
در ۴ کیلومتری جنوب خاوری مرکز
بخش. محصول آن غلات، پسته و پنبه است
آب آن معدنی و در سرچشمه گرم است .
/dē-šib e hosn/ ده شیب حصن-

**۵۶-۴۶-۳۰* ده بیست خانواری

دهستان حصن در ۴۵ کیلومتری شمال
باختری زرنند کرمان، محصول آن غلات،
حبوبات، پسته و پنبه است .

/dešleme/ دیشلمه - چای قند

پهلو = دیشلمه (تهران). لاس دیشلمه - لاس
کم مایه و کم خرج .

(دیشلمه) با اینکه ترکی است در

آذربایجان فعلا معمول نیست. ترجمه لفظی آن
«دندان» یا «دندان مز» است .

/dešne/ دشنه - خنجر «کارد»

شوشکه، سلاح سردی که از شوشکه کوچکتر
واز چاقو بزرگتر و شبیه کارد است «فلج».

*/dē-šur/ ده شور - ۲۱-۵۶**

۳۱-۲۰ دهکده سه خانواری دهستان
کوهبنان در دو کیلومتری مرکز بخش.

*/dē-šur/ ده شور - ۱۱-۵۷**

۳۰-۲۵ دهکده سه خانواری دهستان
درختگان در هجده کیلومتری شمال
خاوری کرمان .

۰۵-۵۷*۴۸-۳۰ دهکده دو خانواری
دهستان حرجند در ۸۶ کیلومتری شمال
کرمان .

/deval/ دول - [دوار] : چرخ .

/dâdan/ دول دادن - چرخ دادن (در
معامله) سرگردان کردن ، امروز و فردا
کردن .

/devân degi/ دوندگی-فعالیت ،
کوشش ، تحرك .

/devâl/ دوال-کناره قالی و گلیم
که بدون نقش است .

/devâtgar/ دواتگر - چلنگر ،
قفل ساز .

/devâzda/ دوازده- * /dôza/
دوزه .

/devum/ دووم- دوام-دیرپایی .

/dê-xâje/ ده خواجه-۰۲-۵۶*
۰۵۷-۳۰ ده پنجاه و چهار خانواری دهستان
سیرین در ۶۳ کیلومتری شمال کرمان ،
محصول آن، غلات، حبوبات، پسته و پنبه است .

/dê-xâje/ ده خواجه-۰۲۱-۵۶*
۲۵-۳۱ دهکده سه خانواری بخش
کوهینان در ۴ کیلومتری شمال مرکز بخش .

/dê-xân/ ده خان - ۱۹-۵۷*
۲۵-۳۰ ده سی خانواری دهستان درختگان
در ۲۸ کیلومتری شمال خاوری کرمان ،
محصول آن غلات و حبوبات است

/dê-xân/ ده خان - ۵۰-۵۷*
۲۶-۳۰ دهکده ده خانواری بخش
شهداد کرمان در ۱۴ کیلومتری شمال
خاوری مرکز بخش، محصول آن غلات،

/dê-tak/ ده تک - ۱۲ - ۵۷*

۳۰-۳۰ دهکده چهار خانواری دهستان
درختگان در ۳۰ کیلومتری شمال کرمان .

/dê-taqi/ ده تقی - ۰۵-۵۷*

۵۲-۳۰ و ۵۱-۳۰ دو دهکده
هشت خانواری دهستان حرجند در ۶۹
کیلومتری شمال کرمان .

/dê-taqi ruxune/ ده تقی

رودخانه - ۲۶-۵۷*۳۱-۳۰ ده بیست
خانواری دهستان درختگان در ۴۰
کیلومتری شمال خاوری کرمان، محصول
آن غلات، حبوبات، کارمردمش کشاورزی،
قالیافی است .

/deu/ دهوئییه - ۳۵-۵۷*

۰۸-۳۰ دهکده ۶ خانواری دهستان
جوشان در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری
شهداد کرمان .

۲۳-۵۶*۳۸-۳۰ دهکده دو
خانواری دهستان سیلوئییه در ۳۰ کیلومتری
جنوب باختری زرنده کرمان .

/deu/ دهوئییه-۱۱-۵۷*۴۵-۳۰

دهکده دو خانواری دهستان حرجند در
۸۶ کیلومتری شمال کرمان .

/deu â manrezâ/ دهوئییه آقا

محمد رضا - ۳۷-۵۷*۳۰-۳۰ دهکده
چهار خانواری دهستان حرجند در ۸۶
کیلومتری شمال کرمان .

/deu bâlâ/ دهوئییه بالابالا -

۱۵-۵۷*۳۴-۳۰ دهکده سه خانواری
دهستان درختگان در ۴۰ کیلومتری
شمال خاوری کرمان .

/deu bedi/ دهوئییه بسدیع -

لاغر و دراز گفته می‌شود. درازی قواره.
 «/deylâx/ دیلاخ - بلند و دراز. در
 خراسان دیلاخ گویند (لار)» فل. «آدم
 قد دراز به وضعی نامناسب و بی‌قواره
 معمولاً به کسانی که با بلندی قد و درازی
 آن بیمصرف و بیکاره یا بیمار و بی‌درد
 باشند اطلاق می‌شود». فلغ.

/deym/ دیم - محصولی که از بارش

و برف آب خورد = دیم [قب] فك . =

/deyme/ دیمه . = /deymi/ دیمی.

= /baškâr/ بشکار - دیم کاری، زراعت

دیم» فلغ. گندم دیم. محصول دیم. کشت

بدون آبیاری. حرف یوج ، بی‌سروته،

کتره‌یی .

/deyme/ دیمه ← /deym/

دیم = «سینه کوه (تفرشی)» فل. /kâr/

دیمه کار - زراعت دیم = /kâri/ دیمه کاری -

گندم دیمه، محصول دیمه .

/deymi/ دیمی - بی‌اساس و بی‌اصل

← /deym/ دیم - «علاوه بر معنی دیم

به معنی چیز بیخودی و دروغین استعمال

می‌شود دیمی حرف زدن - حرف مفت و

بیخود و بی‌معنی زدن» فلغ .

/deymi kâri/ دیمی کاری ←

/deymi/ دیمی .

/deym kâri/ دیم کاری ←

/deym/ دیم .

/dê-zargar/ ده زرگر - *۵۷-۰۴

۳۸-۳۰ دهکده پنج خانواری دهستان

خرما و حنا ، کار مردمش کشاورزی و
 بوریا بافی است (۲).

۴۷ - *۵۶-۳۸ - ۳۰ دهکده ده

خانواری دهستان زنگی آباد در ۷۲ کیلو
 متری باختر کرمان، محصول آن، غلات،
 پسته و پنبه است (۳).

۲۴-۵۶*۲۶ - ۳۱ دهکده چهار

خانواری بخش کوهبنان کرمان در ۳ کیلو
 متری مرکز بخش (۴).

/dê-xodâdâd/ ده خدا داد -

۳۳-۵۶*۱۰ - ۳۱ دهکده سه خانواری

دهستان سرینان در ۲۸ کیلومتری شمال
 خاوری زرنند کرمان.

/dê yâqub/ ده یعقوب - *۵۶-۲۷

۳۸-۳۰ ده ۶۵ خانواری دهستان سلوئیه

در ۲۱ کیلومتری جنوب زرنند کرمان
 محصول آن غلات و حبوبات است .

/dê yâzi/ ده یزدی - *۵۷-۱۵

۱۵-۳۰ دهکده ۲ خانواری دهستان
 درختگان در ۳۰ کیلومتری خاور کرمان.

/dê yâzyâ/ ده یزدیها -

۲۴-۵۶*۱۱ - ۳۱ دهکده یک خانواری

دهستان طغرل جرد در هفتاد کیلو متری
 شمال زرنند کرمان .

/dê yâri/ ده یاری - *۵۷-۱۶

۲۶-۳۰ دهکده یک خانواری دهستان

درختگان در ۳۰ کیلومتری شمال کرمان.

/deylâq/ دیلاق - دراز و باریک

صفت جانداران است و به انسان یا حیوان

۱- ده خان درختگان .

۲- ده خان شهداد .

۳- ده خان زنگی آباد .

۴- دهو خان .

و خائب و خاسر» فلغ .
 /dəmeru/ **دەمرو-** دمر، به رو
 افتاده، رو به زمین، پشت به هوا =
 /kopeki/ **کپکی** (شاید منسوب به
 کپک یعنی سگ باشد). «دمر، به روی
 افتادن، به روی خوابیدن» فلغ .
 /dərâdemi/ **درآدمی-۵۳-۵۶***
 ۳۰-۵۶ دهکده سه خانواری دهستان
 حتکن در ۳۴ کیلومتری شمال خاوری زرنند
 کرمان = /dərâdemi/
 /dərâvordan/ **درآوردن-بیرون**
 آوردن، خارج کردن، استخراج کردن،
 به دست آوردن = /ve=/
ودرآوردن-نون /nun=/
 (نون) **درآوردن-پول** /pul=/
 پول درآوردن. /az xod=/
خود درآوردن - اختراع کردن .
 /adâ=/
ادادرآوردن-مسخرگی کردن،
 کار تمسخر آمیز کردن .
 /dəre abdu=/
در عبدون -
 ۲۶-۵۶*۳۱-۰۶ = باب عبدان دهکده
 ۱۰ خانواری دهستان دشت خاک در ۵۰
 کیلومتری شمال غربی زرنند کرمان آب
 و هواپس کوهستانی و سردسیر محصول آن
 غلات و حبوبات و تریاک و کار مردمش
 کشاورزی است .
 /dər e âb/ **درآب - ۴۹-۵۶***
 ۳۰-۴۸ دهکده شش خانواری دهستان
 حتکن در ۴۲ کیلومتری شمال خاوری
 زرنند کرمان .
 ۲۰-۵۶*۳۱-۲۵ دهکده دو خانواری
 در ۳۴ کیلومتری شمال باختری راور
 کرمان .

حرجند در ۳۲ کیلومتری شمال کرمان ،
 مزرعه‌های بندرده و زرگر جزو این
 دهکده است .
 /dê-zənu=/
ده زنان-۵۰-۵۷*
 ۳۰-۴۹ دهکده چهار خانواری دهستان
 حرجند در ۸۳ کیلومتری شمال کرمان =
 /dê zenu=/
 /dê-zu/
ده زوئیه - ۳۱-۵۶*
 ۳۰-۵۶ ده بیست خانواری دهستان
 طغرل جرد در ۲۰ کیلومتری شمال زرنند کرمان .
 /dê zyâr/
ده زیار - ۵۶-۵۶*
 ۳۰-۳۸ ده یکصد و چهل خانواری دهستان
 زنگی آباد در ۶۰ کیلومتری شمال باختری
 کرمان، محصول آن غلات و حبوبات و کار
 مردمش کشاورزی و قالیبافی است .
 /dêâ tîrband/
دعای تیربند -
 دعائی که برای دفع تیر بر بازو می‌بندند
 = /dêâ=/
 /dəbang/
دبنگ-گیج، بنگ زده
 «دبنگ = dabang = آدم نفهم و
 کم عقل» فك. «به فتح اول و دوم، صفتی
 است برای تحقیر و تمسخر که در آن معنی
 صفاتی مانند پیروز و بی‌غیرت و بی‌کاره و
 بی‌عبار و بی‌دردنرفته است و می‌توان به تمام
 این معانی آنرا استعمال کرد» فلغ =
 /dəbang/
 /dək-e dan/
دک و دهن -
 لب و لوچه، پک و پوز «لب و دندان و
 دهان» فلغ = /dək-e=/
 /dəmaq/
دمق - «شرمند و
 کوشنده، پکر شده، مأیوس شده - دمع
 [فب] فك. «دمغ: کسل و افسرده و ناراحت

۲۷ - ۳۰ دهکده سه خانواری دهستان
درختگان در ۴۲ کیلومتری شمال کرمان
/der a ɤ/ =
- **دەر بولوچی** /dər e boluci/
دهستان سربنان در ۵۰ کیلومتری شمال
شرقی زرنده کرمان .
۲۵ - ۳۱ *۵۶-۰۶ دهکده دو خانواری
دهستان طغرل جرد در ۴۲ کیلومتری شمال
زرنده کرمان = /der e ɤ/ = باب بولوچی .
/dæzeki/ **دزدکی** - دزدانه، پنهانی
= /dæzekâyi/ **دزدکایی** .
- **دەر برزی** /dər e borzi/
دهکده سه خانواری دهستان درختگان
کرمان در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی کرمان .
= /der e ɤ/ = **باب برزی** .
/dər e câ/ **درچاه** - ۲۶ - ۵۶ *
۰۷ - ۳۱ = **باب چاه** - دهکده يك خانواری
طغرل جرد در ۶۰ کیلومتری زرنده کرمان .
/dære cenâru/ **درچنارو (ئیه)** -
دهستان حرچند در ۷۵ کیلومتری شمال
باختری کرمان .
۳۲ - ۰۵ *۵۶-۰۵ - ۳۱ دهکده يك
خانواری دهستان دشت خاک در ۳۵ کیلو
متری شمال خاوری زرنده /dər e cenâlu/ =
درچنالو - /der e ɤ/ =
- **دەر چیرو (ئیه)** -
۵۵ - ۵۶ *۵۵-۰۵ - ۳۰ دهکده يك خانواری
دهستان سربنان در ۳۶ کیلومتری شمال
خاوری زرنده کرمان = /der e ɤ/ =

۲۸ - ۵۷ *۱۰ - ۳۰ دهکده يك خانواری
دهستان سیرج در ۶۶ کیلومتری جنوب
/dər e ow/ = **دەر او** =
/der e ɤ/ =
/dər e bar/ **دەر بر** - ۲۹ - ۵۷ *
۰۵ - ۳۰ دهکده سه خانواری بخش ماهان
کرمان در ۱۶ کیلومتری خاور ماهان .
مزرعه **مهدی آباد** جزو این ده است
= /der e ɤ/ = **دەر بر** .
/dər e bar âftâb/ **دەر بر آفتاب** =
دەر بر آفتاب - ۳۲ - ۵۷ *۱۳ - ۳۰ دهکده
سه خانواری دهستان سیرج در ۴۸
کیلومتری جنوب باختری شهید کرمان
= /dər e beraftow/ **دەر بر آفتو** =
/der e ɤ/ =
/dər e bidu/ **دەر بیدو** - ۳۸ - ۵۶ *
۳۴ - ۳۰ = **باب بیدوئیه** - دهکده نه خانواری
دهستان سبلوئیه در ۳۲ کیلومتری زرنده
کرمان .
/dər e bâdyun/ **دەر باد یون** -
(بادیان) ۱۱ - ۵۶ *۴۷ - ۳۰ دهکده سه
خانواری دهستان حصن در ۴۵ کیلومتری
باختری زرنده کرمان = /der e ɤ/ =
/dər e beyg/ **دەر بیگ** - ۲۳ - ۵۷ *
۳۱ - ۳۰ دهکده دو خانواری دهستان
حرچند در ۵۸ کیلومتری شمال کرمان =
/der e ɤ/ =
/dər e bidxun/ **دەر بیدخوان** -
۴۹ - ۵۶ *۵۰ - ۳۰ = /der e ɤ/ = **باب**
بیدخون .
/dære biše/ **دەر بیسه** - ۲۴ - ۵۷ *

/der e gelu/

دِر گَزُو = باب گَزَك -

دهكده شش خانواری بخش كوهبنان در

سه كيلومترى باختر راه فرعى كوهبنان

به كرمان = /der e =/

- دِر گَهَر /dər e gohar/

۵۲-۵۶*۵۵-۳۰ = بارگهر ده هفتاد

خانوارى حتكن در ۲۸ كيلومترى شمال

خاوارى زرنند كرمان هوايش كوهستانى و

سردسير، محصول آن غلات و كار مردمش

كشاورزى و قاليبافى است .

۳-۵۷*۵۱-۳۰ دهكده ۵ خانوارى

دهستان حرجند در ۹۰ كيلومترى شمال

باخترى كرمان .

- دِر گُورِيُون /dər e guryun/

۳۱-۵۶*۵۹-۳۰ = درگوريان = باب

گوريان - دهكده يك خانوارى دهستان

سربنان در ۲۰ كيلومترى شمال زرنند كرمان.

- دِر هَوِيَز /dər e haviz/

۸-۵۶*۴۴-۳۰ = باب هويز دهچهل

و سه خانوارى دهستان حصن در ۳۵ كيلو

مترى باختر زرنند كرمان. محصولش غلات،

حبوبات، پسته و پنبه، كار مردمش كشاورزى

است = /der e =/

- دِر هِزَار /dər e hezâr/

۱۷-۵۷*۳۷-۳۰ = باب هزار دهكده

شش خانوارى دهستان حرجند در ۴۸ كيلو

مترى شمال كرمان = /der =/

*۵۷-۱۹-۵۰ دِر چُو و /dər e cue/

۲۴-۳۰ دهكده دو خانوارى دهستان

درختگان در ۲۴ كيلومترى شمال خاوارى

كرمان = /der e =/

*۵۶-۴۲-۴۱ دِر دِزِي /dər e dizi/

۵۴-۳۰ دهكده چهارده خانوارى دهستان

سربنان در ۲۶ كيلومترى شمال خاوارى

زرنند. محصول آن غلات و حبوبات و كار

مردمش كشاورزى و قاليبافى است

= /der e =/

- دِر گَز /dər e gaz/

۵۰-۲۹ ← /dargaz/ دهچهل خانوارى

بخش ماهان كرمان در ۶۶ كيلومترى

جنوب كرمان محصول آن غلات و حبوبات

و كار مردمش كشاورزى، كارهاى دستى

و ريسندگى است آب و هواى آن كوهستانى

و سردسير است .

- دِر گَاوُن /dər e gâvun/

۲۴-۵۶*۵۱-۳۱ دهكده يك خانوارى

دهستان ظفرل جرد در ۴۹ كيلومترى شمال

زرنند كرمان = /dər e gowun/

دِر گُوُون = /der e =/

- دِر گِرْدُو /dər e gerdu/

۴۴-۵۶*۵۸-۳۰ دهكده يك خانوارى

دهستان سربنان در ۴۰ كيلومترى شمال

خاوارى زرنند كرمان = /der-e =/

- دِر گَلُو (ئيه) دهكده /dər e gelu/

دو خانوارى دهستان سیرج در ۴۸ كيلو

مترى جنوب باخترى شهداد كرمان =